خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال سوم، شماره ۱۷۰ | هفته سوم بهمن ۹۷ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

دهه‌ی فجر، خط حزب‌الله یکی از درس‌های مهم مکتب امام را بررسی می‌کند

بی‌اعتماد به دشمن

«مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید... دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت... و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است.» ۹۰/۳/۱۴ این عقلانیت اما با نگاه محافظه‌کارانه و حفظ وضع موجود به هر قیمتی تفاوت دارد. «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. {مثلاً} انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود.» ۸۴/۶/۸

• بی‌اعتمادی به دشمن، درس بزرگ عقلانیت امام

از سویی دیگر، برخی افراد و جریان‌ها نیز با طرح مفهوم عقلانیت، با این توجیه که یک نگاه مبتنی بر "احساس و هیجان" است و بنابراین غیرعقلانی، سعی در محکوم کردن نگاه انقلابی دارند. در حالی که «این خطا است؛ عقلانیّت واقعی هم در انقلابی‌گری است. نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق را به ما نشان بدهد.» ۹۶/۳/۱۴ این عقلانیت انقلابی البته نگاهی صرفاً ذهن‌گرایانه و آرمانی نیست، بلکه برخاسته از "تجربه‌ی واقع‌بینانه‌ی" چهل ساله‌ی ملت ایران است. «مقدّمه‌ی لازمِ هر تصمیمی این است که ما به تجربه‌های گذشته‌ی خودمان مراجعه کنیم: من جرِّبِ المُجرِّب حلّت به النّدامة؛ اگر از تجربه‌ها درس نگرفتیم، قطعاً ضرر خواهیم کرد. باید تجربه‌ها را در مقابل چشم خودمان بگذاریم، ملاحظه کنیم و از این تجربه‌ها درس بگیریم.» ۹۷/۳/۲ برای مثال، بی‌اعتمادی به دشمن و در مقابل آن ایستادن، یکی از درس‌های عقلانیت مکتب امام خمینی(ره) است که در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، همواره آن را تجربه کرده‌ایم. «امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضاء می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه‌ی مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته‌ی قوام‌یافته‌ی این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویاروئی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود.» ۹۰/۳/۱۴ بنابراین یکی از تجربه‌های مهم ملت ایران این است که «انعطاف در مقابل این دشمن - به‌خاطر مصلحت‌سنجی‌های موسمی‌ای که خب ما در یک موردی داریم- تیغ دشمنی او را کُند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد... یک تجربه‌ی دیگر، نقطه‌ی مقابل این است و آن، این است که ایستادگی در مقابل آنها، امکان بسیار زیادِ عقب نشاندن آنها را دارد.» ۹۷/۳/۲

• یک تجربه مهم

تجربه‌ی مذاکرات هسته‌ای در اوایل دهه‌ی ۸۰ با اروپایی‌ها نمونه‌ی بارز این موضوع است. «در سال ۸۳ و ۸۴ همه‌ی تأسیسات ما تعطیل بود دیگر؛ می‌دانید که کارخانه‌ی یوسی‌اف اصفهان را مُهروموم کرده بودیم به‌خاطر همین مذاکراتی که کرده بودیم و برای اینکه پرونده‌ی جمهوری اسلامی عادی بشود... [۲۵] [۱۵] هر چه ما عقب‌نشینی کردیم، آنها جلو آمدند... تا بالاخره به هیئت ایرانی گفتند آقا تضمینی که شما باید بدهید، فقط به یک شکل حاصل می‌شود و آن این است که تمام تأسیسات هسته‌ای‌تان را جمع کنید؛ همه را جمع کنید! کاری شبیه کاری که لیبی انجام داد... حتّی ما برای اینکه یک یا دو یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم، بحث می‌کردیم و می‌گفتند نمی‌شود! موافقت نمی‌کردند که ما یک سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ یا سه سانتریفیوژ داشته باشیم. بعد، ما دیدیم اینها خیلی دارند زیادی حرف می‌زنند، زیادی پُررویی می‌کنند، واقعاً دارند وقاحت می‌کنند، گفتیم پس بازی تمام؛ مُهروموم‌ها را شکستیم... از سه‌ونیم درصدی که اینها اجازه نمی‌دادند حرکت کردیم و جوان‌های مؤمن ما توانستند غنی‌سازی بیست درصد را تأمین کنند... وقتی که به اینجا رسیدیم، اینها آمدند یا اصرار، به یک معنا با التماس به ما گفتند که خیلی خب، حالا شما بیایید قبول کنید که بیست درصد را انجام ندهید، مثلاً پنج هزار یا شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید -حالا اینها همان‌هایی بودند که سه سانتریفیوژ یا دو سانتریفیوژ را هم اجازه نمی‌دادند- [می‌گفتند] عیب ندارد؛ بیایید غنی‌سازی بکنید، مثلاً شش هزار سانتریفیوژ داشته باشید یا فلان مقدار غنی‌سازی سه‌ونیم درصد را داشته باشید.» ۹۷/۳/۲

• به اروپا می‌توان اعتماد کرد؟

البته «ما بنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضه و مخالفت و بگومگو نداریم، امّا واقعیّتها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حسّاس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند. حرکت زشت وزیر خارجه‌ی فرانسه در جریان مذاکرات را همه یادشان هست؛ در بازی «پلیس بد و پلیس خوب» میگفتند اونقش «پلیس بد» را ایفا می‌کند؛ البتّه قطعاً با هماهنگی آمریکایی‌ها بود؛ یا برخورد انگلیس‌ها در قبال حقّ خرید کیک زرد که مسلّم شده بود و قطعی شده بود و در برجام پیش‌بینی شده بود که ما از یک مرکزی و محلّی کیک زرد تهیّه کنیم و بخریم و بیاوریم، [امّا] انگلیس‌ها جلوش را گرفتند؛ یعنی اینها با آمریکا همکاری می‌کنند، همراهی می‌کنند؛ تاکنون این‌جور بوده. این هم یک تجربه است؛ این را فراموش نکنیم. اینها در مقام حرف یک چیزهایی می‌گویند امّا در مقام عمل، تا الان ما ندیده‌ایم -یعنی به نظر من تا الان ما این را مشاهده نکرده‌ایم؛ بنده یادم نمی‌آید- که اینها به‌معنای واقعی کلمه ایستاده باشند و در مقابل آمریکا از حق دفاع کرده باشند.» ۹۷/۳/۲ از دل تجربه‌ی مذاکرات دهه‌ی ۸۰، و تجربه‌ی مهم مذاکرات برجام است که نگاه واقع‌بینانه و عقلانی اقتضا می‌کند که نمی‌توان به حرف اروپایی‌ها نیز مانند حرف مقامات آمریکایی به سادگی اعتماد کرد. •

این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات والفجر مقدماتی

شما شهادت را درست فهمیدید و با آن عاشقانه برخورد کردید

وقتی انسان می‌داند که مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت می‌دهد که کِی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ «وقت مردن آمد و جَستن ز جو». انسان حرکتی از جوی می‌کند؛ هرچه هست، در یک لحظه است؛ بعد، نعیم بی‌بدیل و بی‌مثال الهی است؛ شما این گونه فکر می‌کردید. اگر کسی این‌طور فکر نکند، آن گونه خود را عاشقانه در معرض کشته شدن قرار نمی‌دهد. شما شهادت را درست فهمیدید، درست معنا کردید و با آن عاشقانه برخورد نمودید.• ۷۰/۱۱/۱۸

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای) | ارتباط با خط حزب‌ا... | پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۲۸ | ای‌گپ: iGap.net/khattehezbollah | بله: ble.im/khattehezbollah | گپ: Gap.im/KhatteHezbollah | سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

کلام امام

باید برای مردم خدمت بکنیم

دائماً در نظرتان باشد که ما یک بنده خدایی هستیم که این مردم ما را به این محل رساندند، و ما برای آنها باید خدمت بکنیم. رئیس جمهور باید فکر بکند که این مردم کوچه و بازار من را از پاریس آوردند اینجا و رئیس جمهور کردند؛ من باید خدمت بکنم به مردم... هر کدام که در آن وقت زجر کشیدید و حبس رفتید، همین ملت، شما را نجات داده است. هر کدام هم که نبودید، اصلش مملکت یک حبسی بود، تمام کشور یک زندانی بود برای همه. بنابراین، آن چیزی که اساس است در این مملکت، هم سیاست اقتضا می‌کند، هم دیانت اقتضا می‌کند، هم انصاف و وجدان اقتضا می‌کند؛ این است که این خدمتگزارهایی که مجانی برای شما دارند خدمت می‌کنند، و برای حکومت دارند خدمت می‌کنند، اینها را ارجشان را بدانید. و بدانید که اگر خدای نخواسته این پیوند سست بشود و گسسته بشود خدای نخواسته کار همان است که اوّل بود.• امام خمینی(ره): ۵۹/۹/۱۵

خاطرات رهبری

تفاوت ما و مبارزین مارکسیستی

قبل از انقلاب، وقتی که مجموعه‌ی مبارزین ما با مجموعه‌ی مثلاً مبارزین مارکسیست آن روز مواجه می‌شدند -چه در بحث‌های جمعی، چه در بحث‌های فردی، چه در زندان، چه در بیرون زندان- بنده همیشه این حرف را به خودی‌هایمان می‌گفتم؛ می‌گفتم که فرق ما و آنها این است که ما خدا داریم، آنها خدا ندارند؛ من دلم به حال آنها می‌سوزد. در گوشه‌ی سلّول، در زیر شکنجه، در شرایط بسیار دشوار، ما یک پناهی داشتیم، یک خدایی داشتیم، به او پناه می‌بردیم... [امّا] آن بیچاره‌ی مارکسیست این را نداشت. بنده می‌گفتم این آدمی که خدا ندارد، تا وقتی تحت تأثیر شور و هیجان و احساسات و مانند اینها است، خب، حرکت می‌کند، می‌دود؛ اگر یک لحظه این شور و این هیجان و این احساسات از او گرفته بشود و یک لحظه به خودش فکر کند، خواهد دید کار بیهوده‌ای دارد می‌کند. [می‌گوید] من کشته بشوم که دیگری زنده بماند؟... چرا؟ خصوصیّت ایمان این است که احساس مجاهدت و میل به مجاهدت را در انسان زنده نگه می‌دارد. این خودش یک ارزش فرهنگی است؛ یک ارزش بزرگ فرهنگی است. • ۹۵/۱۲/۱۶

حزب‌الله این است

نیروهای جوان و مؤمن خواهند توانست معضلات اقتصادی را در کشور حل کنند

امروز در زمینه‌ی اقتصادی کارهای زیادی لازم است که ما انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی تولید و اشتغال و این چیزها -که ضعف‌های ما است- کارهای فراوانی است که باید انجام بدهیم؛ در زمینه‌ی فرهنگی کارهای زیادی است که باید انجام بدهیم؛ این کارها امروز در حدّ برنامه‌ریزی و اقدام و شروع و پیشرفت و گذراندن مراحلی از این کارها است، امّا یک روزی هم همه‌ی این کارها ان‌شاءالله به بهترین وجهی انجام خواهد گرفت. روزی که ان‌شاءالله آن روز خیلی دور نخواهد بود، نیروهای جوان و مؤمن خواهند توانست معضلات اقتصادی را در کشور حل کنند، پیشرفت‌های علمی را مضاعف کنند، از لحاظ فرهنگی تسلّط محتوای فرهنگی و برجسته‌ی انقلاب و مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی را در سرتاسر کشور و در همه‌ی زوایای این کشور ان‌شاءالله بگسترانند؛ این کارها خواهد شد ان‌شاءالله، تحقّق پیدا خواهد کرد به کوری چشم دشمنان. • ۹۶/۹/۱

چند روایت معتبر از پیشرفت‌های علمی ایران از زبان رهبر انقلاب

اول انکار می‌کردند!

اسفندماه سال ۷۹، رهبر انقلاب به دانشگاه امیرکبیر رفته و در جمع دانشجویان حاضر شدند. در آن دیدار، رهبر انقلاب «وظیفه‌ی آرمانی دانشگاه» را «تولید علم» معرفی کرده و فرمودند: «آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه‌ی آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه‌ی مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اوّل اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود.» ۷۹/۱۲/۹ از آن روزها تا به امروز، ۱۸ سال می‌گذرد و حالا گفتمان تولید علم، به گفتمان عمومی مجامع علمی و دانشگاهی تبدیل شده است. در طول این سال‌ها پیشرفت‌های علمی ایران آنقدر زیاد و بی‌شمار است که پرداختن به همه‌ی آنها، نیازمند چندین جلد کتاب است. اطلاع نگاشت این هفته اما روایت رهبر انقلاب است از برخی از این رشدها و پیشرفت‌ها.

۱- تولید علم به گفتمان قطعی تبدیل شده

یک روزی یک چیزهائی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله‌ی «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشسته‌اند روی کلمه‌ی «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند - حالا یک مناقشه‌ی لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد. و کار کنید، فکر کنید؛ حتماً تأثیر دارد. ۹۰/۷/۱۳

۲- می‌گفتند این پیشرفت‌ها دروغ است

یک شخص عزیزی همان اوائلی که این قضیّه‌ی هسته‌ای و سانتریفیوژ و این حرف‌ها باب شده بود و مکرّر گفته می‌شد، در یک نامه‌ای به من نوشت که اقا.. اینهایی که می‌آیند به شما گزارش می‌دهند، [حرف] اینها را باور نکنید، اینها واقعیّت ندارد، اینها خلاف واقع است!... بعد از چندین سال، چندی قبل اینجا یک جلسه‌ای بود که بعضی از دوستان این جلسه هم در آن حضور داشتند، همان شخص عزیز به من رو کرد و گفت که در دانشگاه‌های ما از این پیشرفتهایی که این جوان‌ها دارند انجام می‌دهند استقبال نمی‌شود و شروع کرد شکایت از این طرف قضیّه که حالا جوان‌های ما دارند کارهای زیادی انجام می‌دهند و استقبال نمی‌شود. من یادم آمد از آن حرفی که ایشان سال‌ها پیش به من گفته بود که این پیشرفتها دروغ است. نه آقا، این پیشرفتها راست است. ۹۲/۹/۱۹

۳- کار به صورت جهشی پیش رفت

خوشبختانه مسئله‌ی فنّاوری نانو یک تجربه‌ی موفّقی است برای کشور ما؛ و نشان‌دهنده‌ی این است که وقتی یک مجموعه‌ی علاقه‌مند و دلسوز و بامعرفت به کار متمرکز می‌شوند بر روی یک نقطه‌ی خاصّی و کار را با برنامه پیش می‌برند، پیشرفتهای محسوس و جهش‌واری در آن کار به وجود می‌آید. پیشرفت کار فنّاوری نانو در واقع برای ما علاوه بر اینکه خودش ارزش دارد، از این جهت هم که یک نمونه‌ای است که ما بتوانیم در همه‌ی کارهای کشور از این نمونه تبعیّت کنیم و آن را معیار قرار بدهیم، برای ما ارزش دارد. ما تقریباً دسال پیش، با مجموعه‌ی ستاد نانو یک ملاقاتی داشتیم؛ گزارشی به من دادند و موضوع نانو را برای ما تشریح کردند؛ مشغول شدند و پیشرفت کردند. امروز خوشبختانه می‌بینیم ما در این مقوله‌ی علمی و تحقیقی جهش به وجود آمده؛ یعنی کار به صورت جهشی پیش رفت.• ۹۳/۱۱/۱

۴- اول انکار می‌کردند!

[در رابطه با پیشرفتهای سال ۹۱] یعنی همین سالی که خواستند بر ملت ایران سخت بگیرند، جوانان عزیز ما، دانشمندان ما ماهواره‌ای ناهید را به فضا فرستادند؛ کاوشگر پیشگام را با موجود زنده به فضا فرستادند؛ جنگنده‌ی فوق پیشرفته ساخته شد. اهمیت هر کدام از اینها به قدری است که جا دارد یک ملت برای هر یک از اینها اظهار خوشحالی و خرسندی کند، برایش سرود بسازند، جشنواره درست کنند... وقتی که این موجود زنده به فضا فرستاده شد و سالم برگشت، آنقدر این قضیه برای دشمنان دنیا و ناظران بین‌المللی تعجب‌آور بود که اول انکار کردند؛ ولی بعد که دیدند چاره‌ای نیست و حقایق و نشانه‌های درستی و واقعیت را مشاهده کردند، مجبور شدند که قبول کنند. ۹۲/۱/۱

۵- دشمن متحیر ماند!

سوخت را کتور تحقیقاتی تهران داشت تمام می‌شد، به ما گفتند باید بیائید اورانیوم ۲/۵ درصدتان را به فلان کشور بدهید تا او تبدیل کند به ۲۰ درصد؛ بعد او بدهد به فلان کشور، که او تبدیل کند به سوخت؛ بعد با اجازه‌ی آقایان دنیا، این سوخت بیاید داخل! یعنی از چندین خان بگذرد، که قطعاً هم نمی‌گذشت. اگر چنانچه ما می‌خواستیم سوخت هسته‌ای را برای همین راکتورهای تحقیقاتی که در اینجا داریم، از اینها بخریم، تاملت ایران را ذلیل و تحقیر نمی‌کردند، ذره‌ای از آن را به ما نمی‌دادند... جوان‌های ما آمدند کار تحقیقاتی کردند و سوخت ۲۰ درصد را خودشان درست کردند. بعد آنها خیال می‌کردند که ما نمی‌توانیم صفحه‌ی سوخت و میله‌ی سوخت درست کنیم؛ اما جوان‌های ما درست کردند و کار گذاشتند. ۹۱/۱۲/۲۱ در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! ۹۱/۱/۱

۶- این استعدادها شناخته شده نبود

من فراموش نمی‌کنم؛ بنا بود یک نیروگاه گازی را یک جائی بسازند -از قبل از انقلاب نیمه‌کاره مانده بود- به مسئولینش می‌گفتیم این کار را انجام بدهید؛ آمدند پیش من -من آن وقت رئیس جمهور بودم- گفتند آقا اصلاً امکان ندارد. آنها باورشان نمی‌آمد. خب، امروز مهندسین کشور ما، جوانان ما، پیشرفته‌ترین نیروگاه‌ها را در شکل‌های مختلف، در انواع مختلفِ خودش دارند می‌سازند. ما امروز می‌توانیم نیروگاه هسته‌ای بسازیم. این استعدادها شناخته شده نبود. ۹۰/۷/۲۶

۷- رویان اینجوری رشد کرد

مؤسسه‌ی رویان، یک مؤسسه‌ی موفق و یک نمونه‌ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد... رویان هم با کمک او و بقیه‌ی همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده‌اند، اینجوری بارآمد؛ اینجوری رشد کرد؛ اینجوری روئید. و من این را از اوائل کار احساس کردم. آن دوست مشترک من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار -پانزده شانزده سال قبل- و درخواست‌های او را با من مطرح کرد، من نشانه‌های یک حرکت درست را در این کار احساس کردم؛ لذا گفتم من در حد مقدورِ خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار می‌گیرم. هرچه زمان گذشت، آن ظن اوّلی تقویت شد؛ تکذیب نشد. ۸۶/۴/۲۵

۸- در دنیا بی‌سابقه بود

حدود یک ماه قبل در همین حسینیه نمایشگاهی تشکیل دادند و از بین صدها تازه‌ی علمی، پنجاه و یکی دوتا از تازه‌های علمی را آوردند اینجا. صاحبان علمی بعضی از طرح‌ها گزارش دادند که بعضی از این‌ها در کشور بی‌سابقه است و بعضی در دنیا بی‌سابقه است؛ شاید حدود دوتا یا سه تا از این‌ها در دنیا بی‌سابقه است. این را باید آدم انکار کند؟! سال گذشته بود یا اندکی قبل از یک سال که از چندین کشور پیشرفته‌ی دنیا آمده بودند اینجا، پیشرفتهای علمی و فناوری و تحقیقاتی ما را دیدند. وقتی مصاحبه‌های این‌ها را پخش کردند، این‌ها می‌گفتند اگر ما ندیده بودیم، باور نمی‌کردیم که ایران به یک چنین جائی دست پیدا کرده باشد. ۸۷/۶/۱۹

تصویری از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در تظاهرات دوران انقلاب

اگر روحانیت نبود این انقلاب تا صد سال دیگر هم پیروز نمی‌شد

اگر جامعه‌ی روحانیت نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد؛ تا صد سال دیگر هم پیروز نمی‌شد. روشنفکران سیاسی ما که بعضی‌شان هم آدم‌های خوبی بودند، دلسوز هم بودند - همه، آدم‌های ناراه و منحرفی نبودند - توانائی‌اش را نداشتند، مقبولیت نداشتند، در بین مردم نفوذ نداشتند، نمی‌توانستند بر دل‌های مردم حکومت کنند. آن که می‌توانست اولاً از حیث سطح، تمام کشور را فرا بگیرد، ثانیاً از حیث عمق و تأثیر، تا اعماق دل‌ها نفوذ کند، روحانیت بود؛ که همه جا بود. • ۹۱/۷/۱۹

پرسش و پاسخ

آیا می‌توان با توجیهات دینی یا انقلابی مقابل قانون قرار گرفت؟

این هیچ مجوّز آن نیست که کسانی به بهانه‌ی این‌که اطمینانشان سلب شده، قانون‌شکنی کنند. قانون‌شکنی جرم است. تخلّف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آید -بدون اجازه‌ی حکومت- خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه‌ی همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ اما آن‌جایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوّز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوّه‌ی قضائیه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت. • ۸۰/۵/۱۱

شرح حدیث

با این وسیله دل مردم را به سمت خود جذب کنید

«عَنِ الصّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمّدٍ عَن أبیهِ عَن آبائِهِ عَلَیهِمُ السَّلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ إنَّکُم لَن تَسَعُوا النّاسَ بِأَموالِکُم فَسَعُوهُم بِأَخلاقِکُم.»(۱) یعنی شما این ظرفیت را ندارید که همه‌ی مردم را [با اموالتان] در حیطه‌ی محبّت خود و در حیطه‌ی ارتباط با خود نگه دارید؛ با مال این کار را نمی‌توانید بکنید اما یک وسیله‌ای دارید برای اینکه بتوانید دل‌های همه یا اکثر مردم را به خودتان نزدیک کنید. آن چیست؟ آن «اخلاق» است. اگر شما تواضع بورزید، اگر آدم صادقی باشید، اگر علیه این و آن حرکت مخرّبی انجام ندهید، اگر کسی باشید که بر روی حرف خودتان می‌ایستید -اینها صفاتی است که مردم این صفات را دوست می‌دارند- پس می‌توانید با این خُلق خوب، با این اخلاق حسنه و خصال نیک، دل مردم را به طرف خودتان جذب کنید.• ۹۴/۲/۱۳

۱) الامالی شیخ صدوق، صفحه‌ی ۶۲

بازخوانی تاریخی

امام روح عزت را در این ملت زنده کرد

اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمی‌گذارد؛ هوی‌های نفس در انسان اثر نمی‌گذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمی‌دهد. ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت -آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت- در همه‌ی اینها مصداق «و توکّل علی العزیز الرّحیم» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه می‌گفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته می‌شد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود. • ۹۱/۳/۱۴

درس اخلاق

زهد از لذّات حلال هم مرتبه بالایی است

بالاترین و واجب‌ترین زهدها این است که انسان از حرام پرهیز کند؛ پارسایی کند؛ دامن را پاک نگه دارد و زهد بورزد. اما زهد از لذّات حلال هم، مرتبه‌ی بالایی است. البته افراد کمتری ممکن است مخاطب این خطاب باشند. امروز هم همان روز است - با تفاوت‌هایی در وضعیت زمان و خصوصیات تاریخی هر دوره، که مخصوص خود آن است - کسانی که دست‌شان می‌رسد، کسانی که می‌توانند از زیبایی‌ها، تجمّلات، لذّات، تنعّمات و از گسترش روزافزون زندگی بهره‌مند شوند، باید آن خطاب‌های زهد امیرالمؤمنین را به یاد داشته باشند. ۷۵/۹/۵

خانواده ایرانی

زن در خانه مستخدم نیست

یک نکته دیگر که باید مورد توجّه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، بخصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین - همان‌طور که گفته شد - و ایجاد قوانین لازم، و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی‌فهمند و زن را در خانه، مستخدم مورد ستمِ مرد، بدون تمکّن از خودسازی معنوی تلقّی و این گونه هم عمل می‌کنند. باید با این فکر با قوّت و شدت مقابله شود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی. • ۷۶/۷/۳۰

روش تحلیل سیاسی

اگر از واژه‌های بیگانه‌وام بگیریم فضا آشفته خواهد شد

یکی از چیزهائی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند. • ۹۰/۷/۲۲